

تحلیل و بررسی آرای آیت‌الله جوادی آملی درباره ازدیاد جمعیت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۰۵

رضا لکزایی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل آرای آیت‌الله جوادی آملی درباره ازدیاد جمعیت و سیاست‌گذاری مطلوب جمهوری اسلامی ایران انجام شد. این پژوهش به روش توصیفی-اکتشافی و با استفاده از چارچوب نظری دریافت شده از احادیث نبوی صورت گرفت. آیت‌الله جوادی آملی ضرورت ازدیاد جمعیت را می‌پذیرد، بر اهمیت ابعاد تربیتی، اخروی و قدسی آن تأکید دارد و دیدگاهی با عنوان «نسل کوثر» را ارائه می‌دهد. نگاه قدسی و عاطفی به خانواده، تعریف انسان به زنده‌الهی اندیش و نه حیوان ناطق، نسبت دادن انسانیت انسان به روح او نه بدنش، توجه توأمان به نیازهای خانواده و جامعه ذیل مباحث فقهی، اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی، مدیریتی، فلسفی، آموزه‌های قرآنی و روایی و برآورده کردن آنها، از ارکان دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی است. در این دیدگاه توجه به اقتصاد و معیشت مردم و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در شکوفایی نسل کوثر ضروری و فراهم نمودن مقدمات اقتصادی آن بر دولت «واجب کفایی» است.

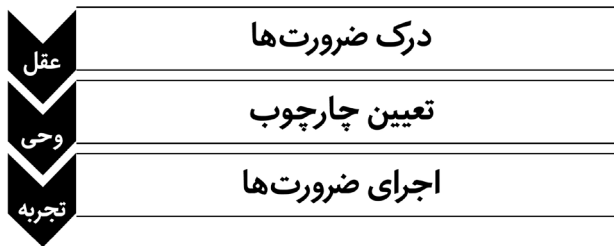
واژگان کلیدی: آیت‌الله جوادی آملی، خانواده، مدیریت، نسل کوثر، ازدیاد

جمعیت.

۱. دانشجوی دکتری رشته انقلاب اسلامی، پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

برای بررسی مسئله اصلی پژوهش ضروری است این پرسش پاسخ داده شود که آیا افزایش جمعیت بهتر است یا کاهش جمعیت و نظر اسلام در این مورد چیست؟ در اسلام تمامی ابزار معرفت یعنی، حس، تجربه، عقل، وحی و تهذیب و تزکیه نفس به رسمیت شناخته می‌شود و راه سوم و چهارم تفاوت جوهری با هم ندارند (جوادی آملی، ۱۳۷۴). روش تعامل این حوزه‌های معرفتی به این شکل است که عقل، برای مثال ضرورت ساخت مسکن را درمی‌یابد، وحی می‌فرماید باید زمین و مصالح ساختمانی مسکن حلال باشد و نه غصبی. آنگاه تجربه بشری ساخت مسکن را برعهده می‌گیرد و وحی در این باره که مصالح مسکن از چه باشد و چند اتاق داشته باشد، ساکت است. البته می‌توان گفت که پاسخ وحی در این مورد این است که ساختن مسکن به روشی باشد که اسراف نشود که باز این هم تعیین حدود است و نه تعیین کمیت.



شکل ۱: رابطه تعاملی تجربه، عقل و وحی

مکانیسم تکثیر نسل به صورت تکوینی در انسان - و نیز حیوان و گیاه - وجود دارد و انسان به طور حکم‌گریزه، فطرت و عقل به تولید و بقای نسل خود عشق می‌ورزد و آن را ضروری می‌داند. وحی برای برآوده ساختن این ضرورت، مکانیسم خانواده و شرایط زوجیت را مطرح می‌کند. وحی در مورد تعداد فرزندان تصریح ندارد، اما در یک حکم اولیه سقط جنین را تحریم کرده است؛ یعنی وحی در این مورد نیز حدود را ترسیم نموده و درباره کمیت و تعداد نظری نداده است. البته در برخی احادیث به کثرت جمعیت توجه شده است. برای مثال امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه (۱۳۷۲) درباره دشمنان اسلام چنین دعا می‌فرماید: «خداوند! زنان دشمنان را نازا کن و صلب مردانشان را

بخشکان». از اینکه ایشان برای نابودی نسل و جمعیت دشمنان اسلام دعا می‌کند، دریافت می‌شود که کثرت نسل و جمعیت مسلمین مطلوب و پسندیده است. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در *نهج البلاغه* (۱۳۷۹) خداوند را سپاس می‌گوید و می‌فرماید: «سایش خداوندی را سزاست که شبم را به صبح آورد بی‌آنکه مرده یا بیمار باشم... نه بی‌فرزند و خاندان مانده...». این شکر، نشان دهنده اهمیت نسل و ازدیاد آن است، اما در ظاهر هیچ فقیهی بر اساس روایات فتوا نداده است که برای مثال واجب یا مستحب است که هر خانواده چهار فرزند داشته باشد. حکومت اسلامی می‌تواند در زمینه کنترل جمعیت سیاست‌گذاری کند. آیت‌الله خامنه‌ای در مورد سیاست کاهش جمعیت بیان می‌کند:

[کنترل جمعیت] تا اوایل دهه هفتاد مناسب بود و از آن تاریخ به بعد نباید ادامه می‌یافت. اکنون سخن این است که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ به مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت رسید و سیاست تحدید نسل باید از سال ۱۳۷۱ به بعد تغییر می‌کرد، لذا سخن از اشتباه، خطا، کار بد و غفلی است که رخ داده و باید برای آن استغفار کرد و اگر این سیاست همچنان ادامه یابد کشور عزیزمان با خطری بزرگ و غیرقابل جبران روبرو خواهد شد. البته تا حالا هم ما در منطقه خطر مسافت زیادی را پیش رفته‌ایم که باید برگردیم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱) البته خوشبختانه ما اکنون از لحاظ نیروی انسانی و دارا بودن نیروی جوان (بیش از ۳۱٪ بین پانزده تا بیست و نه سال) در بهترین وضعیت قرار داریم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲)

براین اساس و با پیش فرض افزایش جمعیت که در سیاست‌گذاری کلان نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است، می‌توان سخنان آیت‌الله جوادی آملی را بررسی کرد و با توجه به سخنان ایشان به سؤالاتی که در زمینه کنترل جمعیت مطرح است، پاسخ داد. پرسش‌هایی نظیر اینکه تعریف انسان و ملاک انسانیت انسان چیست؟ انسان چه جایگاهی در نظام هستی دارد؟ آیا با تحلیلی فلسفی هم می‌توان گفت دختر و پسر فرقی ندارند؟ آیا تعداد فرزندان به میزان درآمد خانواده ارتباط ندارد؟ میزان جمعیت جامعه در امکاناتی که به آحاد افراد جامعه تعلق می‌گیرد چه تأثیری دارد؟ آیا افزایش جمعیت به تنهایی مطلوب است یا در صورتی مطلوب است که (به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی) کوثر باشد و نه تکاثر؟ آیا زن برای کمک به اقتصاد خانواده می‌تواند بیرون از خانه کار کند؟ کار زن در بیرون از خانه و گذاشتن فرزند در مهد کودک چه پیامدهایی دارد؟ نقش حکومت

در ازدیاد جمعیت چیست؟ تأثیر حضور مؤثر زن در خانواده چه تأثیری در ایجاد عطوفت و آرامش در خانواده و جامعه دارد؟ این پرسش‌ها در حوزه‌های اعتقادی، فلسفی، اخلاقی، فقهی، اقتصادی و مدیریتی طبقه‌بندی و ذیل سه عنوان کلی «منطق تکثیر نسل و ازدیاد جمعیت»، «سیاست‌گذاری مطلوب جمهوری اسلامی درباره مسئله جمعیت» و «عوامل تأثیرگذار بر کیفیت و کمیت جمعیت» مورد بررسی قرار گرفته است. در تنظیم چارچوب نظری این طبقه‌بندی از حدیث نبوی که علم را به در سه لایه آیه محکمه، فریضه عادل و سنت قائمه تحلیل فرموده است (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۳۸۳) استفاده شد. درباره کثرت جمعیت مقالات و نوشته‌های چندانی وجود ندارد و این موضوع از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی فقط در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. موضوع ازدیاد جمعیت در آثار آیت‌الله جوادی آملی به صورت منظم و منسجم بحث نشده است؛ از این رو در پژوهش حاضر این موضوع از آثار مختلف ایشان به شیوه استنباطی و اکتشافی اصطیاد و استنباط شده است.

۲. منطق ازدیاد جمعیت و تکثیر نسل کوثر از نظر آیت‌الله جوادی آملی

۱-۲. منطق اعتقادی - اجتماعی

علامه جوادی آملی سیاست تکثیر نسل را که از سوی نظام اسلامی مطرح شده است، می‌پذیرد. ایشان به دنبال نسلی کوثر است که از نظر کمی کثیر است و هم از نظری کیفی، خیر. بنابراین، ایشان معتقد است که دولت علاوه بر بعد مادی و دنیایی تکثیر نسل، باید برای بعد ملکوتی و آخرتی آن نیز تدبیری بیندیشد، با این دغدغه وی تمهید زمینه‌های تربیت نسلی صالح را برای دولت «واجب کفایی» می‌داند و تأکید می‌کند که اگر مسئولین طراز اول مملکت به فکر تکثیر نسل اند باید همه جوانبش را رعایت کنند. (جوادی آملی، ۱۳۹۲)

بنابراین، یکی از راهبردهای اصلی نظام باید سرمایه‌گذاری در حوزه تربیت الهی نسل جدید باشد تا نسل آینده صالح، امین، درستکار و سعادتمند باشند (ر.ک. لک‌زایی، ۱۳۹۰).

براین اساس، اهمیت و نقش فرهنگ متعالی مشخص می‌شود؛ چرا که در فرهنگ متعالی بر خلاف فرهنگ متمدانی، علاوه بر توجه به ابعاد دنیایی، به بعد آخرتی نیز توجه می‌شود. از سوی دیگر، نظام خانواده در اسلام اصیل است؛ پیوند اعضای آن تا پایان عمر با یکدیگر

برقرار می ماند، ارتباط میان فرزند با والدین و اجداد و پیوند میان پدر و مادر با فرزندان و نسل های بعد از آنها استوار می ماند و این دو سلسله، افزون بر آنکه به یکدیگر محرم اند، حقوق متقابل مالی، تربیتی، اجتماعی نسبت به یکدیگر دارند. اصالت نظام خانواده در اسلام سبب می شود که حتی پس از طلاق مادر از پدر، حقوق متقابل یاد شده بین پدران و مادران از سویی، و فرزندان از سوی دیگر پایدار بماند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۷/۲۷۶). تعالی و جامعیت این نگاه در مقایسه با دیدگاه غرب که در آن فرزندان از سنی مشخص از خانواده جدا و مستقل می شوند، به طور کامل مشخص است. در نگاه اسلام، علاوه بر احترام، مهربانی، عطوفت و صلح رحم، کمک های مالی اعضای خانواده به هم که باعث بهتر شدن زندگی دنیا و بهره بردن از دعای خیر در دنیای باقی می شود، از دیگر ابعاد مهم تکثیر نسل است که می توان ادعا کرد فقط اسلام اینگونه زیبا و انسانی به آن توجه نشان داده است.

(رک.، جوادی آملی، ۱۳۹۱)

۲-۲. منطق اخلاقی - فلسفی

اخلاق با پذیرش روح، معنا پیدا می کند. از این رو، شالوده سعادت متعالی و اخلاق حسنه در فلسفه به ویژه در حکمت متعالیه پی ریزی می شود. آنچه در بحث معرفت شناسی آیت الله جوادی آملی در حکمت متعالیه و از جمله انسان شناسی مرکزیت دارد، با تجربه ارتباطی ندارد بلکه به تعبیر ایشان علوم تجریدی است. وی معتقد است:

آنچه که مشکل انسان را حل می کند، علوم تجریدی (یعنی، عقل و نقل یا علوم برهانی و وحیانی) است؛ چراکه ما نمی خواهیم دام پروری کنیم، بلکه می خواهیم انسان پروری کنیم. هنوز عده زیادی نمی دانند که تفاوت انسان و دام چیست؛ چراکه خیال می کنند انسان یک حیوان ناطق است؛ یعنی جانوری است که حرف می زند، اما دین می گوید انسان، حی متألّه است. (جوادی آملی، ۱۳۹۲)

بنابراین، چون تعریف انسان متفاوت شد، دو نوع علوم انسانی وجود دارد؛ نوعی که محصول، غایت و نتیجه آن حیوان است و نوعی دیگر که مقصد و مقصود آن حی متألّه است. آیت الله جوادی آملی معتقد است:

مشکل کنونی ما صرف تکثیر نسل نیست، بلکه ما انسان و خلیفه الله می خواهیم؛ یعنی انسانی (چه زن و چه مرد) که عبد خداست و دارای عقاید صحیح و اخلاق

حسنه و رفتار شایسته است. حرمتی را که قرآن برای انسان قائل شد، برای خلیفه الله شدن اوست. قرآن نفرمود که من می‌خواهم خلیف تهیه کنم، بلکه فرمود: می‌خواهم در زمین خلیفه قرار بدهم. به این جهت است که این تاء، تاء تأیید نیست بلکه تاء مبالغه است. بنابراین، اگر بخواهیم جمعیت را افزایش دهیم باید بدانیم که از علوم تجریدی (یعنی، عقل و وحی) استفاده کنیم و براساس انسان‌شناسی و حیوانی رسالت زن‌ها و مردها و راهکار را مشخص کنیم؛ در انسان‌پروری، اول طرح و برنامه و هدف‌گذاری مهم است و سپس اجرای آنها. (جوادی آملی، ۱۳۹۲)

آنچه از نظر آیت الله جوادی آملی مهم است، کوثر است و نه تکاثر. داشتن جمعیت زیادی است که دارای فضائل روحانی، اخلاقی، هنجاری و سالک صراط مستقیم‌اند. تکاثر جمعیت فراوانی است که در صراط حیوانیت قدم برمی‌دارند و قیامشان للنفس است و نه لله. از دیگر نکات مورد توجه آیت الله جوادی توجه به نتایج اخروی داشتن فرزند صالح است؛ یعنی ضمن اینکه ایشان معتقد است که داشتن جمعیت فراوان، یکی از ابزار قدرت و اسباب پیشرفت کشور است، براساس انسان‌شناسی دینی و قرآنی به بعد ملکوتی داشتن فرزند صالح هم توجه نشان داده و می‌فرماید:

ما فکر می‌کنیم که با فرزند بیشتر مشکل داخلی مان حل می‌شود؛ «يُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» (نوح: ۱۲). البته این تفکر را باید با فرمایش ائمه تکمیل نمود؛ تتمه‌اش را عترت طاهرین فرموده‌اند که «وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُ لَهْ؛ ما تا ابد نیازمند به اعقابیم» (کافی، ۱۳۸۷). این «وَلَدٌ صَالِحٌ» که در روایت آمده است شامل نوه‌ها، نتیجه‌ها و نبیره‌ها هم می‌شود. پس داشتن فرزند تنها این نیست که مشکل دنیای ما را حل کند، بلکه فرزند صالح مشکل آخرت را هم برای ما حل می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۲)

براین اساس، ایشان آینده‌نگری را معطوف به آخرت تحلیل می‌کند که می‌توان از آن با عنوان قرآنی «عاقبت‌نگری» تعبیر کرد. ایشان علاوه بر خطرات دنیا، به فکر علاج خطرات مهم‌تری که ممکن است حیات جاوید والدین را به مخاطره بیفکند، است و می‌فرماید: «راه آن تربیت کردن اولاد صالح است».

۳. عوامل تأثیرگذار بر کیفیت و کمیت نسل کوثر

۱-۳. تشکیل خانواده

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت و کمیت جمعیت، تسهیل در امر ازدواج و تشکیل

خانواده است. ازدواج با اقتصاد و معیشت گره خورده است. از دیدگاه آیت الله جوادی آملی رزق تدریجی است و قرآن کریم تدریجی بودن رزق را در مقام تمثیل به سخن گفتن آدمی مثال می‌زند و می‌فرماید:

رزق شما و آنچه شما را به آن وعده می‌دهند، در آسمان است، پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه را به شما وعده می‌دهند، یقینی است، همان گونه که شما سخن می‌گویید. (ذاریات: ۲۲ - ۲۳)

مراد از تمثیل در این آیه تدریجی بودن نطق است. در نطق، کلمات و جملات از مخزن عقل و از باطن انسان به تدریج ظاهر و نازل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸/۱، ۲۳۸). رزق مادی و معنوی هم مانند سخن گفتن کم‌کم و تدریجی نصیب انسان می‌شود. بنابراین، منظور از این تمثیل این است که همانطور که سخن گفتن تدریجی است، رزق آدمی هم تدریجی است و فرد نباید انتظار داشته باشد که ابتدا باید همه امکانات را داشته باشد بعد به ازدواج فکر کند؛ چون این باور با تدریجی بودن رزق که سنت آفرینش است در تضاد است.

همچنین آیت الله جوادی آملی بر این باور است که خداوند متعال وعده داده است که با ازدواج، زندگی رونق می‌گیرد. بنابراین به عقیده ایشان با توجه به آیه کریمه «اگر تهیدست‌اند، خدا آنان را از فزون‌بخشی خود بی‌نیاز می‌کند» (نور: ۳۲)، ازدواج وسیله گسترش و توسعه و رونق رزق و روزی است. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که خداوند به چه کسانی وعده داده که با ازدواج زندگی آنها رونق می‌گیرد؟ آیا این وعده فقط محدود به دختر و پسر است یا دایره وسیع‌تری دارد؟

آیت الله جوادی می‌فرماید:

هم وعده است نسبت به جوان‌ها، هم وعده است نسبت به پدر و مادر، هم وعده است نسبت به نظام. اگر مسئولین نظام، بخشی از بودجه‌ها را در اختیار ازدواج جوان‌ها قرار بدهند خداوند بودجه اینها را بیشتر می‌کند، درآمد کشور را بیشتر می‌کند، درآمد سرانه مملکت را بیشتر می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰)

ایشان خطاب به والدین نیز می‌فرماید: «... اگر تهیدست‌اند، خداوند آنان را از فضل خود توانگر خواهد ساخت» (نور: ۳۲). همچنین به خود جوان‌ها می‌فرماید: «هر کس نکاح کرد یا نکاح کرد، مشمول این وعده جمیل الهی است که می‌فرماید: "... اگر تهیدست‌اند، خداوند آنان را از

فضل خود توانگر خواهد ساخت" (نور: ۳۲). (جوادی آملی، ۱۳۹۰) بنابراین، رزق و روزی تدریجی است، خداوند به جوانان وعده داده است که با ازدواج رزقشان توسعه می‌یابد، مسئله سوم، مسئله تقواست. خداوند فرموده است: «و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان نمی‌کند، روزی می‌دهد» (طلاق: ۲-۳). براساس این آیه هیچ انسان باتقوایی در بن بست نمی‌ماند، گرچه ممکن است مشکلات از هر طرف به او رو بیاورد، راه برون رفت از بن بست برایش روشن می‌شود.

از جمله دیگر موانع ازدواج مهریه زیاد است. در استفتاء از آیت‌الله جوادی آملی درباره تعلق گرفتن خمس به مهریه آمده است: «اگر مهریه زن بیش از مهرالسنه باشد، به مازاد آن خمس تعلق می‌گیرد و میزان مهرالسنه ۵۰۰ درهم (معادل ۲۶۲/۵ مثقال نقره) است» (جوادی آملی، ۱۳۸۱ الف). از این فتوا می‌توان مقدس بودن مهریه را استنباط کرد. پس آنچه بر اصل مهرالسنه افزوده می‌شود اگرچه به فتوای مشهور امامیه و همچنین به نظر آیت‌الله جوادی جایز است، از قداست و جنبه الهی آن بهره‌ای ندارد؛ به همین سبب از مصادیق درآمد بوده و مشمول قانون خمس است (رک.، جوادی آملی، ۱۳۸۱ ب، و جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب). از نظرایشان در نکاح، زن چیزی را به شوهرش تملیک نمی‌کند تا مهریه عوض آن باشد، بلکه مهریه هدیه‌ای الهی است که به حکم خدا، شوهر باید به زن بپردازد و رایگان است، نه در مقابل چیزی؛ زیرا التذاذ و کامیابی جنسی، تشکیل خانواده و فرزند داشتن، همگی میان زن و مرد مشترک است، چنانکه حقوق آنها نیز متقابل است. بنابراین، بالا بودن میزان مهریه و مقدار جهیزیه و اموری همانند آن که از امور مادی است، هرگز نمی‌تواند عوامل حقیقی تشکیل و استحکام خانواده که یک امر مقدس است، باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف). چون ازدواج صبغه ملکوتی دارد، اگر مهریه زن جنبه تکاثر پیدا کند و از معیار معقول و مقبول فاصله بگیرد، چنین زنی به فرموده امام صادق علیه السلام مشؤومه خواهد بود: «زشتی زن در افزونی مهر و نازایی اوست» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۷۷، ۱۲/۳۰۶).

بنابر دیدگاه آیت‌الله جوادی کسی که برای ازدواج به دنبال تشریفات زاید و بیهوده است و برای فراهم کردن این امور زایل، شرع و شرف را زیر پا می‌نهد، اندیشه سکولاریستی دارد، حتی اگر اهل مسجد و نماز و روزه باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۱ الف). با این نگاه، خانواده در اسلام

کانونی مقدس و هسته و سلول اصلی جامعه است که بر اساس آیه بیست و یکم سوره نور فقط با دورکن مهم مودت و رحمت قوام می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ب). در صورتی که فرد به تشکیل خانواده نگاه قدسی داشته باشد، خودبه‌خود بسیاری از مشکلات ازدواج کنار خواهد رفت. وقتی انگیزه آحاد افراد جامعه، تشکیل خانواده با نگاه قدسی و معنوی باشد، کانون خانواده، به دور از حواشی و آداب و رسوم غلط رونق خواهد گرفت و استمرار خواهد یافت. وقتی کمیت ازدواج به شکل صحیح و منطقی و با نگاه الهی و اسلامی افزایش یافت، شاهد ولادت‌های بیشتری در جامعه خواهیم بود و وقتی همان نگاه معنوی و الهی به تربیت فرزند در خانواده استمرار داشته باشد، شاهد تربیت نسلی خواهیم بود که آیت‌الله جوادی آملی از آن به نسل کوثر تعبیر می‌کند. پس افزایش ازدواج، افزایش نسل را در پی دارد و آنچه ازدواج و نسل را به کوثر تبدیل می‌کند و به آن جنبه تعالی می‌دهد، داشتن نگاه و انگیزه الهی و معنوی و حرکت بر اساس رضایت خداست.

۲-۳. تصحیح بینش‌ها

همان‌گونه که در عصر جاهلیت رواج بینش‌های غلط سبب زنده به گور کردن دختران (رک. نحل: ۵۸، ۵۹؛ تکویر: ۸-۹) و کشتن پسران می‌شد (رک. انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۳۱؛ انعام: ۱۳۷) امروزه نیز برخی خانواده‌ها به دلیل ترس از فقر و باور غلط گرفتاری به فقر با حضور فرزند در خانواده، از فرزندآوری جلوگیری می‌کنند. خداوند متعال در آیاتی به این افراد می‌فرماید: «... ما شما و آنان را روزی می‌رسانیم...» (انعام: ۱۵۱)؛ «ما آنها و شما را روزی می‌دهیم» (اسراء: ۳۱). (جوادی آملی، ۱۳۸۱، الف، ۴۶/۱۷). براین اساس، این بینش غلط که داشتن فرزند مانع سعادت و خوشبختی انسان است، به چالش کشیده می‌شود و از طرف قرآن به صراحت رد می‌شود.

۳-۳. تصحیح ملاک‌های ارزش‌گذاری

ملاک انسانیت انسان چیست و تعریف انسان کدام است؟ دختر بهتر است یا پسر؟ آیا جنسیت، در انسانیت تأثیر دارد؟ به نظر می‌رسد دانستن پاسخ این سؤالات نگرش نسبت به فرزند را تغییر می‌دهد و ملاک‌های ارزش‌گذاری در خانواده و جامعه را عوض می‌کند. حدود پنج قرن قبل از میلاد مسیح، ارسطو در تعریف انسان بیان کرده است که انسان

حیوان ناطق است. زمان آن رسیده است که به تعبیر علامه جوادی آملی این تعریف به زباله‌دان افکنده شود؛ چراکه انسان زنده خدایی‌اندیش است. انسان دارای روحی الهی است و این روح الهی منشأ حیاتی است که فصل‌الفصول حقیقت انسان است و این زمانی میسر است که معارف قرآن در جان انسان بنشینند. از منظر قرآن کریم بسیاری از افراد حیوان ناطق، «انسان» نیستند و خداوند از آنها با عناوینی چون چهارپایان، پست‌تر از چهارپایان و شیاطین یاد می‌کند و روشن است که وقتی چیزی جزء یکی از این سه دسته قرار گرفت، انسان نیست. براین اساس، آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که ملاک انسانیت انسان به روح اوست و انسان حیّ متألّه است و نه حیوان ناطق. (جوادی آملی، ۱۳۸۳)

خداوند متعال مسئله انسان را با یک اصل که روح اوست و به یک فرع که تن اوست، تحلیل می‌کند. فرع انسان یعنی اینکه تن او به طبیعت، ماده، طین و تراب اسناد داده شده (رک. ص: ۷۱) و اصل انسان یعنی روح او به خداوند اسناد داده شده است (رک. حجر: ۲۹). در سوره مؤمنون آیه چهاردهم درباره آفرینش انسان پس از بیان مراحل دوران جنینی می‌فرماید: «سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم [و ما به او روح دادیم]»؛ یعنی روح وقتی در کالبد انسان دمیده می‌شود که جنسیت جنین مشخص شده است. در آیات ۳۷ تا ۳۹ سوره قیامت ذکورت و انوئت را مربوطه به طبیعت و ماده می‌داند. این آیه بیان می‌داد که از پدر و مادر جزائفاء کار دیگری ساخته نیست، آنچه به نام خلقت است از آن ذات اقدس اله است. در این آیه بیان شده است که مذکر و مؤنث بودن مربوطه به «مَنی یُمَنی» است نه روحی که خداوند در کالبد انسان دمیده است. پس از آنکه دختری یا پسر بودن جنین مشخص شد، روح به آن دمیده می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۳) براین اساس، کسب فضائل به جنسیت انسان ارتباط ندارد و در کسب ارزش‌ها و فضیلت‌ها بین زن و مرد تفاوتی نیست، چون ملاک انسانیت انسان به روح اوست و نه بدنش و روح نه مذکر است و نه مؤنث.

۴. سیاست‌گذاری مطلوب جمهوری اسلامی در افزایش نسل کوثر

درباره مسئله سیاست‌گذاری مطلوب جمهوری اسلامی در افزایش نسل کوثر، دورکن اصلی یعنی، اقتصاد و فرهنگ نقش مهمی دارد.

۱-۴. سیاست‌گذاری در زمینه مدیریت ثروت و قدرت

آیت‌الله جوادی آملی اولویت‌های حکومت را مدیریت امنیت، بهداشت، فرهنگ و اقتصاد می‌داند. (لک‌زایی، ۱۳۸۷). وی با توجه به اینکه جمعیت کنونی ایران یک درصد کل جمعیت جهان و منابع آن ده درصد منابع دنیاست، مسئولان را به مطالعه شرایط اقتصادی آن کشورها و استفاده از تجارب آنان فرامی‌خواند و تصریح می‌کند که باید نقاط قوت این کشورها را دریافت و از آن برای ارتقای کشور استفاده کنیم (جوادی آملی، ۱۳۹۲). در این موضوع باید به سخنان امام خمینی رحمته‌الله علیه نیز توجه داشت که می‌فرمود:

ایران، سی و پنج میلیون حالا می‌گویند جمعیت دارد. وسعتش آن قدر است که برای صد و پنجاه میلیون تا دویست میلیون جمعیت کافی است؛ یعنی اگر دویست میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به رفاه زندگی می‌کنند. و همین طور ممالک دیگر وسیع‌اند. عراق وسیع است و جمعیت کمی دارد. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ۳۹۲/۷)

امام خمینی رحمته‌الله علیه در سخنان خود علاوه بر ایران از دیگر کشورهای اسلامی هم درباره افزایش جمعیت نام برده است و سیاست تکثیر نسل را در بین مسلمین پایه‌گذاری می‌کند و بر اهمیت آن متذکر می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای نیز از منظر کارآفرینی و تولید ثروت به تکثیر جمعیت توجه دارد و معتقد است:

کشور ما با این سطح وسیع، با این تنوع آب و هوایی، با این امکانات فراوان زیرزمینی، با این استعداد بالقوه علمی، می‌تواند یک کشور پرجمعیتی باشد و ان‌شاءالله خودش هم این جمعیت را اداره کند. لذا همچنان که ما فکر می‌کنیم که اگر چهار پنج بچه افتاد روی دوش یک خانواده وضع زندگیشان چگونه خواهد شد، باید این فکر را هم بکنیم که این چهار پنج بچه وقتی بزرگ شدند و کاری پیدا کردند و شغلی پیدا کردند، چه کمکی می‌توانند به پیشرفت کشور بکنند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۸)

آیت‌الله جوادی آملی نیز آباد کردن زمین را وظیفه انسان می‌داند و معتقد است که این وظیفه‌ای است که خدای سبحان بر عهده انسان نهاده است و از او خواسته که زمین را آباد کند (رک.، هود: ۶۱). انسان اگر بخواهد زمین را استعمار و مرمت کند، نیروی انسانی می‌خواهد و این با داشتن فرزند ممکن است (جوادی آملی، ۱۳۹۲). براساس این سخنان، فزونی جمعیت در ارتقای اقتصاد نقش دارد و هرچه جمعیت کشور کمتر، کهنسال و از کار افتاده باشد،



از نظر اقتصادی و نظامی و غیره به نفع دشمنان خواهد بود. باید به سمت خودکفایی و تبدیل شدن به قدرت بزرگ اقتصادی حرکت کرد و استفاده از آب و خاک در کسب قدرت و استقلال آزادی نقش اساسی دارد. آیت الله جوادی آملی در این مورد با استناد به روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام که می فرمود: «هر کس آب و زمین داشته باشد؛ ولی تلاش نکند و فقیر باشد از رحمت الهی دور شده است» (جرع‌املی، ۱۳۹۱، ۴۰/۱۷) بیان کرده است:

ملتی که آب و زمین کشاورزی به اندازه کافی دارد، ولی آبها را مهار و زمین را اصلاح نکند و از آنها بهره برداری نکند و در اثر کم کاری، بدکاری و یا سوء مدیریت، مستقل نباشد و نیازمند بیگانه باشد از رحمت حق فاصله دارد. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: لک زایی، ۱۳۸۷)

آیت الله جوادی آملی معتقد است:

دولت و ملت باید از تجمل دوری کنند؛ چراکه اگر پاشنه زندگی بخواهد بر محور تجمل بچرخد، هرگز چیزی ما را راضی نمی کند و گرفتار تکاثر و «هل من مزید» می شویم. بنابراین، ما موظفیم دو کار بکنیم: تلاش در تولید، قناعت در مصرف. اگر تلاش در تولید داشتیم مشکل اقتصادی پیدا نمی کنیم و اگر قناعت در مصرف داشتیم رفاه زندگی دامن گیر ما نمی شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۲)

از آنجا که وی به کیفیت و داشتن نسلی کوثر اهمیت می دهد، گردش سرمایه و متمرکز شدن ثروت در دست عده ای معدود و محدود و حذف ربا از بانک ها را از عوامل مهم، راهبردی و کلیدی در اقتصاد می داند. بنابراین، با سیاست گذاری های صحیح اقتصادی، فزونی جمعیت نه تنها نقطه ضعف نیست، بلکه یک نقطه قوت و مولد سرمایه است. آیت الله جوادی آملی با تأکید بر ایجاد اشتغال و همچنین فقرزدایی از کشور، بر این باور است که در فرهنگ قرآن، مال و ثروت عامل قیام و قوام یک ملت مطرح شده است. وی در تحلیل واژه فقیر بیان کرده است:

به کسی که گداست و چیزی ندارد، عرب نمی گوید فقیر، بلکه به او می گوید فاقد؛ یعنی کسی که مال ندارد. فقیر بر وزن «فعلیل» به معنی مفعول است. فقیر یعنی، کسی که ستون فقراتش شکسته است، همان طوری که قتیل به معنای مقتول است، فقیر هم به معنی مفعول است؛ یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹)

ملتی که محتاج و جیبش خالی و دستش تهی است، زمین گیر و فقیر است. ملتی که

شغل نداشته و بدهکار باشد، قدرت قیام ندارد. به دلیل این نقش اساسی و مهم اقتصاد، ایشان عنصر مدیریت اقتصاد را بسیار مهم و کلیدی ارزیابی می‌کند و به درستی معتقد است که نباید این ستون را به دست لِرزان افراد سفیه سپرد و تصریح دارند: «آن مدیر سفیه و آن مدبر لِرزان، خود را نمی‌تواند تأمین کند و خودایستادگی را فرانگرفته، چه رسد به اینکه بتواند ستون ملت و مملکتی را نگهداری کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۳).

جدول ۱

راهبردهای نیل به سیاست‌گذاری مطلوب برای تکثیر نسل کوثر در عرصه اقتصادی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

ردیف	راهبرد
۱	ارائه اولویت‌های حکومت به ترتیب امنیت، بهداشت، فرهنگ و اقتصاد
۲	اقتصاد، ستون فقرات کشور است و سرپا ایستادن کشور متکی به قدرت اقتصادی است
۳	استفاده از تجارب موفق بشری در جهت آباد ساختن کشور
۴	توجه ویژه به کشاورزی
۵	برنامه‌ریزی و حرکت برای خودکفایی و بی‌اثر ساختن تحریم‌ها با اقتصاد مقاومتی و اتکا به توان و استعداد داخلی
۶	نگاه قدسی به کسب و کار و تولید ثروت و قدرت و ترویج و تبلیغ این نگاه
۷	افزایش نسل کوثر که یکی از مؤلفه‌های تولید قدرت و ثروت است
۸	دور کردن ملت و دولت از تجمل، رفاه‌زدگی و دنیازدگی
۹	رعایت اصلاح الگوی مصرف در تمامی سطوح، ساحات و اقشار
۱۰	تلاش و کوشش در تولید ثروت از سویی و ساده‌زیستی و قناعت در مصرف از سوی دیگر
۱۱	حذف ربا از سیستم اقتصادی آشکار و پنهان کشور و دفع و رفع فساد
۱۴	واگذاری مدیریت ثروت و قدرت به افراد کاردان و فهیم، نه افراد سفیه و بی‌تقوی
۱۵	توجه به عنصر مهم و تأثیرگذار تقوی و اعتماد و حسن ظن به خداوند متعال

۴-۲. سیاست‌گذاری در زمینه مدیریت فرهنگ و تربیت

مدیریت فرهنگ، ارتباط وثیقی با زنان دارد. زنان در به‌ثمر رساندن نسل کوثر مسئولیتی مهم بردوش دارند. زن و فرهنگ رابطه‌ای دوسویه با هم دارد و یکی از معماران اصلی فرهنگ است. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که جامعه هم می‌تواند تحت تسخیر عطوفت زن قرار گیرد و از احساسات و رقت قلب آنان مدد بگیرد و هم می‌تواند تحت تسخیر طبیعت زن قرار گیرد، بدون آنکه از عواطف و احساسات و رقت قلب زن بهره‌ای ببرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۲). روشن است که براساس این نگاه‌ها دو فرهنگ شکل می‌گیرد: فرهنگ متعالی و فرهنگ متدانی. آیت‌الله جوادی آملی در تبیین دیدگاه اول بیان کرده است:



اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلم عاطفه، رقت، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود. حال آنکه دنیای کنونی، حجاب را از زن گرفته تا زن به عنوان لعبه به بازار بیاید و گزینه را تأمین کند. اسلام اصرار دارد که زن در جامعه بیاید، ولی با حجاب بیاید؛ یعنی بیاید که درس عفت و عاطفه بدهد نه اینکه درس شهوت و گزینه بیاموزد. از این ور، در جنگ های اسلامی، خشونت که در جنگ های غیراسلامی هست، وجود ندارد و آن درنده خوبی که دیگران دارند در میان مسلمین مشاهده نمی شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۲)

آیت الله جوادی آملی این روایت امیرالمؤمنین علیه السلام را که می فرماید: «زن ریحان و گل است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، نامه ۳۱)، اینگونه تبیین می کند: «خوب حالا که زن گل است و زنها به عطر و ریحان معطرند و به شما عاطفه می دهند، مردها هم معطر باید به عاطفه باشند و با بوهای متعفن، شامه شان را بد عادت نکنند». ایشان در تبیین دیدگاه دوم می گوید: «دنیای مادی، که به زن از پنجره غرایز می نگرد از مهر و رحمت و شفقت و عاطفه محروم است و این نوع نگاه به زن، بر درندگی جامعه شان افزوده است». (جوادی آملی، ۱۳۹۲)

همچنین ایشان معتقد است: «هنگامی که زن با سرمایه گزینه به جامعه آمد، دیگر معلم عاطفه نیست و نمی تواند باشد، بلکه فرمان شهوت می دهد نه دستور گذشت و شهوت هم جز کوری و کری چیزی به همراه ندارد». وی روایتی که می فرماید: «زن عقرب است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹) را ناظر توجه صرف به بعد غریزی و مادی زن می داند. ایشان دلیل فرهنگ منحط جهان غرب درباره زنان را انسان شناسی مبتنی بر جهان بینی آنها می داند؛ چون آنان جهان را در نشئه طبیعت خلاصه می کنند و از ماورای طبیعت سهمی ندارند، انسان را نیز در قلمرو طبیعت خلاصه می کنند و فقط تن شناسند نه انسان شناس. (جوادی آملی، ۱۳۸۳) براین اساس، ایشان سکینت و آرامش و عطوفت جامعه را بر عهده مادران می داند و معتقد است خدا که زن را آفرید سکینت جامعه را به عهده او گذاشت و زن اگر نتواند این امر را مدیریت کند آن رسالت الهی را انجام نداده است (جوادی آملی، ۱۳۹۲). ایشان رابطه بی مرز زن و مرد، ممنوعیت طلاق و اجبار به زندگی مشقت بار، جلوگیری بدون مصلحت از فرزنددار شدن، شانه خالی کردن از تربیت فرزند، سپردن نوزادان و کودکان به پرورشگاه و خالی بودن زندگی کودک از عواطف گرم پدر و مادر را بر خلاف سنت الهی می داند که اسلام با آنها مخالف است. ایشان بیان

می‌کنند: «کودک به عواطف مادرانه نیازمند است و این عواطف، نوعی سیر و سلوک عملی است و علم جای آن را نمی‌گیرد، اما کودکی که در پرورشگاه رشد می‌کند، هرچند شاید داناتر شود، کمبود عاطفی اش جبران نمی‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ۱۷ / ۲۷۵).

با توجه به شیوه حضور زن در جامعه و خانواده دو فرهنگ شکل می‌گیرد؛ فرهنگ متعالی و فرهنگ متدانی؛ فرهنگ متعالی محبت محور است و فرهنگ متدانی خشونت محور. در فرهنگ متعالی طلاق عاطفی و غیرعاطفی کمتر دیده می‌شود و مهر، عطوفت، همبستگی، همکاری، همیاری و اخوت حکم فرماست. در حالی که در فرهنگ متدانی کانون خانواده فروپاشیده است، در چنین جامعه‌ای هر فرد بی توجه به دیگران تلاش دارد فقط مشکل خود را حل کند. چنین این جامعه استحکام ندارد؛ چراکه از محبت و عطوفت بی بهره است. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است که عاطفه همانند ملات بنیان جامعه است و افراد همچون مصالح ساختمانی آن هستند. این عاطفه است که افراد را در محوری خاص گرد می‌آورد و دل‌ها را به هم پیوند می‌دهد و با آنکه ملات عاطفه نرم است، خانواده‌ای نفوذناپذیر با آن ساخته می‌شود. وی بر این باور است که آنان که کودکان خود را از لذت عاطفه محروم کرده‌اند، خسارت آن را در دوران سخت کهنسالی خود تجربه خواهند کرد؛ زیرا کودک عاطفه ندیده، با عاطفه نخواهد شد و از پذیرش پدر فرتوت و مادر سالمند امتناع خواهد کرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۲)

آیت‌الله جوادی آملی نفس کار کردن زن در جامعه را می‌پذیرد، اما آیا زن در بیرون از خانه برای حضور در اجتماع و یا کمک به اقتصاد خانواده می‌تواند پذیرای هر شغلی باشد؟ دیدگاه ایشان این است که تمام نیازهای ویژه زنان را باید زنان برطرف سازند که با این فرض نیمی از جامعه را باید خود خانم‌ها اداره کنند، در نتیجه ضروری است زن‌هایی در جامعه حضور داشته باشند که همه شئون جامعه را بلد باشند تا از اختلاط و تماس غیرضروری محرم و نامحرم جلوگیری به عمل آید. ایشان حدیث معروف حضرت زهرا علیها السلام که در آن زینت زن را مشخص نموده و فرموده است که زینت زن این است که نه نامحرم را ببیند و نه نامحرم او را ببیند (کلینی، ۱۳۸۷)؛ چنین تبیین می‌کند: «معنای حدیث این نیست که زن از منافع جامعه بهره‌مند نشود، بلکه معنای این حدیث این است که باید زنان همه کارهای

خودشان را خودشان انجام دهند». این تبیین از حدیث با نگاهی دقیق و جامعه‌شناسانه است (جوادی آملی، ۱۳۹۲). براین اساس، مدیریت تمامی امور زنان در جامعه باید به عهده زنان باشد. آیت‌الله جوادی آملی در این باره بیان کرده است:

مسائلی چون خانه‌داری و مدیریت داخلی خانواده و تربیت فرزند، رکن اصلی و اصیل جامعه اسلامی است؛ چراکه با مسئله امنیت جامعه که اولین، ضروری‌ترین و فوری‌ترین نیاز فرد و اجتماع است، ارتباط مستقیم دارد. هرچه زن در مقام والا و منیع مادی موفق‌تر عمل کند، خانواده و جامعه امن‌تر خواهد بود. بنابراین، نه اعضای خانواده مجازند مقام شامخ مادری را تنزل دهند و نه افراد جامعه مأذونند منزلت رفیع مدیریت داخلی خانه را سبک تلقی کنند، و نه نظام حکومتی و سیستم اداره جامعه حق دارد از بهای لازم آن غفلت یا تغافل کند و نه خود زنان مأذونند که از شناخت چنین جایگاه رفیعی جاهل بوده یا تجاهل نمایند که خوشبختانه ما نمونه عالی منزلت مادر و برتری مرتبت زن در اصل انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هشت ساله را شاهد بودیم. (جوادی آملی، ۱۳۸۳)

بنابراین، برای داشتن نسلی کوثر، عاطفه مادری نیاز است و باید تمهیداتی اندیشیده شود که مادر با فراغ بال به این مهم بپردازد. وقتی سخن از تکثیر نسل می‌شود باید به این مهم بیش از پیش توجه نمود، تا هم فرهنگ پویا شود و هم نسلی کوثر پدید آید.

جدول ۲

راهبردهای نیل به سیاست‌گذاری مطلوب برای تکثیر نسل کوثر در عرصه فرهنگ از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

ردیف	راهبرد
۱	در نظر داشتن این نکته راهبردی که خانه‌داری و مدیریت داخلی خانواده و تربیت مهربانانه فرزند، رکن اصلی و اصیل جامعه اسلامی است.
۲	توجه ویژه به زنان و نقش آنان در خانواده و جامعه
۳	توجه به تمایز علم و محبت و اهتمام به تربیت عاطفی و معنوی جامعه
۴	ارائه تمهیدات لازم برای تربیت فرزند توسط مادر با فراغ بال و همراه با مهر و محبت
۵	در نظر گرفتن حریم برای محرم و نامحرم و ممنوعیت رابطه بی‌حد و مرز زن و مرد تا جامعه تحت تسخیر عطفوت زن قرار بگیرد و نه طبیعت او
۶	قبول این واقعیت که امنیت و آرامش جامعه بر عهده مادر است و توجه به این نکته و برنامه‌ریزی بر اساس آنکه هرچه زن در مقام مادری موفق‌تر عمل کند، خانواده و جامعه امن‌تر و موفق‌تر خواهد بود
۷	تقویت کانون خانواده با تصویب قوانین مناسب؛ چراکه عاطفه‌ای که در خانواده وجود دارد، افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد و نقش وحدت‌زایی و وحدت‌افزایی و امنیت‌بخشی دارد و این خود باعث تقویت دولت و کاهش هزینه‌های دولت به‌ویژه در بخش مبارزه با بزهکاری و بالارفتن ضریب امنیت جامعه می‌شود.
۸	اشتغال زنان بر اساس این راهبرد که تمام نیازهای زنان جامعه توسط خود زنان انجام شود تا جایی که احتیاج نباشد کارهای زنان را مردان انجام دهند.
۱۰	نگاه قدسی و معنوی به خانواده و کارکرد آن به ویژه کار زن در خانه

۵. بحث و نتیجه‌گیری

آیت‌الله جوادی آملی برای تربیت کیفی جمعیت اهمیت بسیاری قائلند. ایشان ضمن توجه و نگاه قدسی و معنوی به ازدواج و فراهم‌سازی شرایط مطلوب آن که مجرای مهم و اصلی ازدیاد و تکثیر نسل است به مسائل اقتصادی و معیشتی توجه زیادی دارند و نقش مدیریت و مسئولیت را در آن بسیار مهم و کلیدی می‌داند. در نظریه ایشان فقط کثرت جمعیت مهم نیست، بلکه جمعیت متعالی و اخلاقی و کوثرگون را جامعه‌ساز و تمدن‌ساز می‌داند. روشن است که با تقویت کیفی بنیان خانواده، جامعه تقویت می‌شود و تمدن‌سازی نوین اسلامی بهتر و راحت‌تر شکل خواهد گرفت. وی نقش زن به عنوان مادر و همسر را در ایجاد خانواده و جامعه سالم و با محبت که در آن قساوت جای و وجهی ندارد، بسیار مهم و کلیدی ارزیابی می‌کند و داشتن نسل کوثر و فرهنگی متعالی را وابسته به حضور مؤثر مادران با عاطفه و زنان عقیف می‌داند.

در نتیجه پیوند ملک و ملکوت و ارائه نگاه معنوی و علمی جامع به اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ازدواج، تکثیر نسل، و حتی خوردن و نوشیدن از سویی و تذکر دادن به دولت و ملت برای حسن ظن داشتن و اعتماد کردن به وعده‌های الهی و در پیش گرفتن تقوای علمی و عملی، از نقاط برجسته و مهم دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی است که در داشتن نسل کوثر که ساختن تمدن الهی را بردوش دارد، نقش مهمی ایفا می‌کند. همچنین ایشان توجه به اقتصاد و معیشت مردم را در شکوفایی نسل کوثر ضروری و فراهم نمودن مقدمات اقتصادی آن را بر دولت «واجب کفایی» می‌داند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: محمد مهدی، فولادوند. تهران: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۹). شریف‌الرضی، محمد بن حسین (گردآورنده). مترجم: دشتی، محمد. قم: مؤسسه انتشارات مشهور.
۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۴). شناخت‌شناسی در قرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). صورت و سیرت انسان در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ ب). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ب). جامعه در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مفاتیح الحیات. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ الف). اسلام و محیط زیست. قم: مرکز نشر اسراء.



۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تفسیر سوره مبارکه نور. مشاهده شده در پورتال بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء. www.portal.esra.ir
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). جلسه دیدار مدیر کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران با آیت الله جوادی آملی در بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء. مشاهده شده در پایگاه اطلاع رسانی اسراء. www.esranews.org
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱ الف). استفتائات مربوط به نکاح. مشاهده شده در پورتال بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء. www.portal.esra.ir
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). سکینت جامعه به عهده مادران جامعه است. مشاهده شده در پورتال بنیاد بین المللی علوم و حیانی اسراء. www.portal.esra.ir
۱۳. حراملی، محمد بن حسن (۱۳۹۱). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. خامنه ایی، سید علی (۱۳۹۱). سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران نظام در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۳. مشاهده شده در www.khamenei.ir.
۱۵. خامنه ایی، سید علی (۱۳۹۲). سخنرانی مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰. مشاهده شده در پورتال دفتر حفظ و نشر آیت الله خامنه ای. www.khamenei.ir
۱۶. لطیاطبایی البروجردی، حسین (۱۳۷۷). جامع احادیث الشیعه. قم: مدینه العلم.
۱۷. علی بن حسین (امام سجاد) (۱۳۷۲). صحیفه سجادیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). الکافی. قم: مؤسسه دارالحدیث العلمیه الثقافیه.
۱۹. لک زایی، رضا (۱۳۹۰). سعادت متعالیه از منظر آیت الله جوادی آملی. نشریه اسراء، ۳۱، (۳)، ۷۷-۹۳.
۲۰. لک زایی، شریف (به اتمام) (۱۳۸۷). سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه. دفتر اول: نشست ها و گفتگوها. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۳). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.